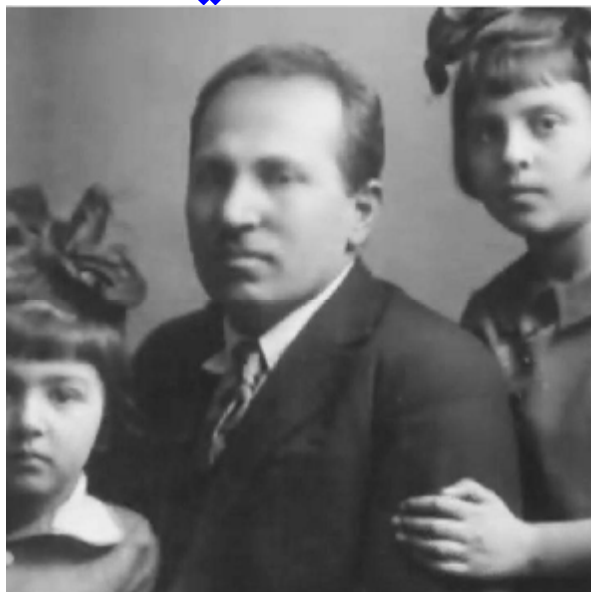


جنبش سندیکایی در ایران



آوتیس میکائیلیان (سلطانزاده)

در کشورهای عقب افتاده‌یی چون ایران که در آن فئودالیسم هنوز ریشه کن نگشته است، در کشوری که قشر ارتجاعی مالکین ارضی به حمایت روحانیون نادان سیادت می‌کنند، در کشوری که سرمایه‌دار و رباخوار درنده بر اعماق مناسبات اقتصادی سایه افکنده است، در چنین کشوری جنبش سندیکایی مطمئناً نمی‌توانست به درجه‌ی انکشاف — برابر آن‌چه در سایر کشورهای سرمایه‌داری حاکم است — برسد. از جانب دیگر، حالت ابتدایی صنایع از یک سو و نادانی سیاسی توده‌های زحمت کش از سوی دیگر، اجازه نمی‌داد که در قلمرو سندیکایی کار فعالی انجام پذیرد.

نخستین کوشش‌ها برای سازمان‌دهی سندیکایی در ایران به سال ۱۹۰۶، در زمان نخستین انقلاب (جنبش مشروطه)، هنگامی که کارگران چاپ‌خانه‌های تهران تحت نفوذ نیرومند حزب دمکرات نخستین اتحادیه‌ی خود را ایجاد کردند، انجام گرفت. بعدها هنگامی که ارتجاع در سرکوب بیداد می‌کرد و حزب دمکرات انحطاط یافت، هنگامی که رهبران آن با تحصیل مقام وزارت به محافظین با وفای تاج و تخت ایران بدل گشتند، این سندیکا بدون آن که نتایج جدی‌یی کسب کرده باشد، منحل گشت. این وضع بدون تغییر تا سال ۱۹۱۸، هنگامی که سراسر شمال ایران را قحطی شدیدی فرا گرفت و مرگ صدها هزار نفر را موجب گشت و گرانی (هزینه‌ی) زنده‌گی روز افزون توده‌های وسیعی را تهدید می‌کرد، دوام یافت.

در این هنگام است که کارگران چاپ‌خانه‌ها، اقدام به سازمان دادن افراد طبقه‌ی خود نمودند. اینان پس از اقدام به چند اعتصاب، دولت را مجبور ساختند بر قرارداد دسته‌جمعی‌یی که تنظیم کرده بودند و مناسبات بین کارگران و کارفرما را تعیین می‌کرد، صحنه‌گذارند. ایشان هم چنین موفق گشتند بهبودی چند را در وضع اقتصادی‌شان تحصیل کنند. این قرارداد، روز هشت ساعت کار، مقررات استخدام و اخراج کارگران، و نرخ اضافه‌کار را معین ساخت و بهبود وضع بهداشتی کار در چاپ‌خانه و غیره را مطالبه کرد.

این موفقیت نسبتاً قابل ملاحظه‌ی کارگران چاپ‌خانه‌ها، روحیه‌ی کارگران حرف دیگر را که سازمان‌دهی سندیکاهای خود را آغاز نموده بودند، به مقدار قابل ملاحظه‌یی ارتقا داد. اتحادیه‌ی کارگران نانوائی‌ها (خبازان)، کارگران دست‌بافی‌ها و پست و تلگراف و تلفن و بالاخره اتحادیه‌ی کارگران کفاشی‌ها، یکی پس از دیگری تاسیس شدند. شورای اتحادیه‌های تهران به سال ۱۹۲۰ تشکیل

گردید و وظیفه یافت اتحادیه‌های کارگری را رهبری کند، آموزش دهد و اتحادیه‌های جدیدی را سازمان دهد. این شورا از سه نماینده از هر اتحادیه تشکیل می‌شد.

در آغاز ۱۹۲۲، ده سندیکا با ده هزار عضو کارگر، یعنی بیست درصد از کل کارگران تهران، در شورای سندیکایی عضویت داشتند. به غیر از سندیکای فوق الذکر، چندین سازمان کارگری دیگر نیز در شرف تشکیل بود، چون سندیکای داروسازان و کارگران تراموا و غیره.

نمونه‌ی تهران به‌زودی از طرف چند شهرستان دنبال شد. دو سال پیش، در تبریز اتحادیه‌یی از کارگران بنام «حزب کارگر» تشکیل گردید. این سازمان بسیاری از ویژه‌گی‌های خاور زمین را با برجسته‌گی‌های بسیاری منعکس می‌سازد. با این همه، موافق نظام‌نامه‌ی این حزب کارگری، تنها کسانی می‌توانند به عضویت آن در آیند که از استثمار دیگران زنده‌گی نمی‌کنند. در اواخر ۱۹۲۱، این سازمان در حدود سه هزار عضو داشت، ولی نفوذ آن به حد اعضایش محدود نمی‌گشت. در تبریز هم چون در سایر شهرهای بزرگ خاور زمین، کاسب‌کاران و صنعت‌گران بخش مهمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند. قانون اسلام، تجارت را حرفه‌یی محترم (وزین) می‌شمرد. هر مومن نیکی با اشتیاق به تجارت مشغول می‌شود. در مرکز شهر، دالان‌های آجرین، نوعی سرا، با ورودی و خروجی به همه جهات شهر ساخته شده‌اند. در این جا در مغازه‌های کوچک اجاره‌یی، کاسب‌کاران کوچک مانند قنادان، کفاشان، زرگران و غیره لول می‌زنند (مملواند). هر حرفه‌یی، بخش معینی از این سرای عظیم را که «بازار» نام دارد، اشغال می‌کند. بازار تبریز، هفده هزار مغازه، انبار و کارگاه و غیره دارد که از آن، هزار و سیصد به مالکان کوچک که هم‌نوعان خود را به مثابه کارگر استثمار نمی‌کنند و از منافع تجاری

امرار معاش مي‌کنند، تعلق دارد. اينان با استفاده از موقعيت انحصاري خویش به طور نوبتي کرايه‌ي مغازه‌ها را افزایش مي‌دهند و برخي اوقات آن را تا حد نرخ مسخره‌يي بالا مي‌برند. نتايج چنين روشي به هنگام بحران تجاري پس از جنگ اول جهاني، بحراني که به شمال ايران که منحصرًا از طريق تجارت با روسيه زیست مي‌کرد، بیش‌تر از هر جاي ديگر لطمه وارد ساخت، هر چه بیش‌تر محسوس مي‌گردید.

اتحاديه‌ي کارگري (حزب کارگر) به منظور تشديد تضاد بين مالکين بزرگ و صاحبان مغازه‌هاي کوچک بازار، تصميم گرفت اينان را برحسب حرفه‌ي‌شان متشکل سازد. جلسه‌ي نماينده‌گان حرفه، دفتر عمومي‌ي انتخاب نمود که مسايل مهم را در توافق با دفتر اتحاديه‌ي تبريز حل مي‌نمود. بدین‌سان نه تنها رهبري ایدئولوژیک، بل که هم‌چنين رهبري عملي اين سازمان وسيع که به دور خود بیش از دوازده هزار عضو گرد آورده است، در دست اتحاديه (حزب کارگري) است. مهم‌ترين تصميمات، مهور به امضاي ارگان اجرائي اتحاديه (حزب کارگري) است. مثلاً "در سال گذشته بنا بر پيشنهاده اتحاديه، در بازار تخفيف بيست درصدي کرايه‌ي مغازه از طريق انقلابي تحقق يافت. و از اين جاست خشم صاحبان مستغلات بازار تبريز. ولي اينان قادر نبودند کاري کنند، زیرا هر مغازه با تکیه به تصميم حزب کارگري قاطعانه از پرداخت بیش از هشتاد درصد کرايه‌ي سابق سر باز زد. ابتدا مخبرالسلطنه به نماينده‌گي دولت با توجه به محبوبيت عمومي اتحاديه، کوشش مجدانه به عمل آورد تا اين سازمان را زیر نفوذ خود در آورد، ولي بدان موفق نگشت. و بهتر از آن اين که در اکتبر سال گذشته (۱۹۲۱) به دنبال ضرباتي که شهردار شهر به يکي از اعضاي اين سازمان وارد ساخته بود، اختلافي بين استاندار و حزب کارگري رخ داد. حزب از استاندار خواست شهردار را بر کنار سازد و

شخص دیگری را به جای وی منصوب کند. استاندار مقاومت نمود... جریان نزدیک بود به بستن بازار کشانده شود. (در ایران بستن بازار از نظر اهمیت، اقدامی است مهم‌تر از اعتصاب عمومی). در آخر، استاندار امتیازاتی به سود حزب کارگری قائل شد و مساله خاتمه یافت.

در سایر مناطق ایران، اتحادیه‌های کارگری مطابق همان روش تهران سازمان داده شده‌اند. نیرومندترین در میان آن‌ها عبارت‌اند از اتحادیه‌ی کارگران و کارمندان شیلات دریای مازندران. این اتحادیه، پنج هزار عضو دارد. تعداد معمولی کارگران در حدود ۸ هزار نفر است. در رشت، انزلی و قم و غیره نیز اتحادیه‌ی کارگری وجود دارد. در مجموع در ایران، بیست هزار کارگر سازمان داده شده وجود دارد. چنین انکشافی برای اتحادیه‌های کارگری، وضع اقتصادی بسیار سختی را که کارگران ایرانی با آن دست به گریبان‌اند، توضیح می‌دهد. اتحادیه‌های کارگری ایران، علاوه بر جوانی‌شان، در نیمه‌ی دوم سال ۱۹۲۱ چندین اعتصاب بسیار موفق سازمان دادند. از آن جمله باید اعتصاب خبازان، کارگران چاپ‌خانه‌ها، کارگران ریسنده‌گی‌ها، پست و تلگراف و تلفن را یاد کرد.

در انزلی، اعتصاب کارگران بندر سازمان داده شد. همگی این اعتصابات ماهیتی صرفاً اقتصادی داشتند. و اما در مورد اعتصاب معلمین (ژانویه ۱۹۲۲) که بیست و یک روز به طول انجامید، این اعتصاب سرانجام شکل یک نمایش واقعا سیاسی علیه دولت را به خود گرفت. دولتی که به مدت شش ماه پرداخت حقوق آنان را متوقف ساخته بود. نمایشات به مدت سه روز ادامه یافت. در این تظاهرات، دانش‌آموزان نیز به تعداد زیادی شرکت داشتند. هیجان عمومی در تهران به حد اعلا رسیده بود. عاقبت دولت شتافت و به معلمین وعده داد حقوق آنان را بپردازد. ولی دیگر بسیار دیر شده بود. یک تظاهر عظیم، که در تاریخ ایران نخستین نمایش

بزرگ به حساب می‌آید، موضع کابینه‌ی قوام السلطنه را که از قبل متزلزل بود، درهم کوفت و وی را مجبور به استعفا ساخت. کابینه‌ی لیبرال مشیرالدوله جای وی را گرفت و قول داد یک سلسله اصلاحات رادیکال را متحقق سازد.

با این که اتحادیه‌های کارگری در ایران از شخصیت حقوقی برخوردارند، مقامات دولتی موانع بسیار بر سر راه انکشاف آن‌ها ایجاد می‌کنند. این مریبان (مستشاران) اروپایی هستند، که بیش از همه در این مورد سرکوب شدید را به مورد اجرا می‌گذارند. یک سوئدی بنام **مولیتور**، که مدیر پست و تلگراف است، توانست انحلال موقتی اتحادیه‌ی کارمندان اداره‌ی تلگراف را فراهم آورد و سپس کوشید پست‌چی‌یان را نیز مشمول همین سرنوشت سازد. این مبارزه‌ی طولانی بود. پست‌چی‌یان جزوه‌ی علی‌ه مولیتور منتشر ساختند و برکناری وی را خواستار شدند. مساله در مجلس مطرح گردید. دولت جانب فونکسیونر خود را گرفت.

اتحادیه‌های کارگری به کار تهییجی خود ادامه دادند. در این زمان کابینه‌ی قوام السلطنه طی تصویب نامه‌ی شرکت کارمندان دولتی در اتحادیه‌های کارگری را ممنوع ساخت. این تصویب‌نامه خشم و نفرت توده‌های مردم را برانگیخت و به سقوط کابینه منتهی شد.

بدین‌سان، اتحادیه‌های کارگری ایفای نقش نسبتاً قابل ملاحظه‌ی را در زنده‌گی سیاسی ایران آغاز می‌کنند. دفتر مرکزی اتحادیه‌های کارگری که در نوامبر ۱۹۲۱ پایه‌گذاری شد، اکنون مشغول سازمان‌دهی کارگران معادن نفت جنوب ایران، کارگران روز مزد و هم‌چنین کارگران سایر رشته‌هاست. دفتر مرکزی وظیفه‌ی سنگینی به عهده دارد: سازمان‌دهی توده‌ها در کشور عقب افتاده‌ی چون ایران که اوضاع و احوال ویژه‌ی زنده‌گی، شیوه‌های سازمان‌دهی

ویژه‌یی را می‌طلبید که نسبت به آنچه پس از ده‌ها سال فعالیت سندیکایی در کشورهای اروپایی متداول گشت، تا حدی متفاوت است. ما امیدواریم که با حمایت بین‌الملل سندیکاهای سرخ، جنبش سندیکایی ایران وظایفی را که در برابر دارد، با موفقیت به انجام برساند^۱.

۱ - منتشره در آثار آ. سلطانزاده، «اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دمکراسی و کمونیستی ایران»، جلد چهارم، به همت خسرو شاکری، ترجمه از متن فرانسوی، [L internationale Syndicale Rouge, Avril-Mai 2291](#)، د. ک.